

پست مدرن هستم که هستم،  
منه جای تو رو تنگ کردم؟

مجموعه داستان  
جلیل (بهرز) وثوقی



|                       |                                                                     |
|-----------------------|---------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه :             | ۱۳۶۳ - وثوقی، جلیل،                                                 |
| عنوان و نام پدیدآور : | پست مدرن هستم که هستم، مگه جای تو رو تنگ کردم؟/ جلیل (بهروز) وثوقی. |
| مشخصات نشر :          | تهران: مدبران، ۱۳۹۵.                                                |
| مشخصات ظاهری :        | ۱۱۰ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.                                             |
| شابک :                | 978-600-6303-59-8                                                   |
| وضعیت فهرست نویسی :   | فیا                                                                 |
| موضوع :               | داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴                                    |
| رده بندی کنگره :      | ۸۳۶۳ PIR ۱۳۹۵ ۵پ ۸۶ث /                                              |
| رده بنا دیویی :       | ۸۵۶۲/۳                                                              |
| شماره شابناسی :       | ۴۲۰۷۸۰۶                                                             |



انتشارات مدبران: ۰۲۰-۷۷۶۷۰۶۲۰

[Info@modabiran.com](mailto:Info@modabiran.com)

پست مدرن هستم که هستم، مگه جای تو رو تنگ کردم؟

تالیف : جلیل ( بهروز ) وثوقی

انتشارات : نشر مدبران

طراح جلد : بهروز وثوقی

ناظر و هماهنگی : صدف امینی

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

چاپ اول : ۱۳۹۵

|     |                                                 |
|-----|-------------------------------------------------|
| ۹   | پیشگفت                                          |
| ۱۲  | قدردانه خانه                                    |
| ۱۸  | اهمیت نظریه                                     |
| ۲۴  | رابطه روزمرگی و بی‌منی                          |
| ۳۰  | یک داستان واقعی: تقدیر هم‌سوسیس‌های دنیا        |
| ۳۸  | قصه عجیب ملکه قفقاز                             |
| ۴۳  | مسکو                                            |
| ۴۸  | بازنویسی یک داستان گمشده                        |
| ۵۰  | بازنویسی پنج داستان گمشده دیگر                  |
| ۵۶  | ترکیب بندی شماره ۱۴                             |
| ۵۹  | خاطرات یک نویسنده پیر و خرفت ۱                  |
| ۶۱  | داستان شکار خوسه                                |
| ۶۲  | بخ                                              |
| ۶۹  | خاطرات یک نویسنده پیر و خرفت ۲                  |
| ۷۳  | یک داستان پست مدرن                              |
| ۷۹  | یک داستان به شدت سیاسی                          |
| ۸۳  | کامپوزیتیکو فضاییه / یک داستان اخلاقی - موزیکال |
| ۸۷  | Mission: Dark Shatterland City III              |
| ۱۰۰ | هیپی اندینگ                                     |

## پیشگفتار

دنیای کنونی - دنیای رسانه محور است. تبیین و ترویج ایدئولوژی تنها از طریق استفاده از رسانه - یا رسانه های جمعی امکان پذیر است. در حال حاضر و به طور خاص پس از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی، اکثریت رسانه های عمومی (جسی) پرقررت یا مروج یک تفکر می باشند. تفکر حاکم بر این رسانه ها تفکر خاص سرمایه داریست. نظام سرمایه داری که در درون مرزهای خود به اشباع رسیده است سعی در یکسان سازی فرهنگ های گوناگون برای جذب بازار و سود بیشتر می کند. بدین ترتیب ترویج مصرف گرایی و ایجاد فضایی سرخوش و وانهادی تفکر به وظیفه اینگونه رسانه ها مبدل شده است. دور نمودن بشر معاصر از تمامیات سیاسی، شکستن قبح کجروی های سیاسی، غرق نمودن مخاطب در دنیایی پر زرق و برق، حفظ این نوع نگرش در افرادی که بدان تن داده اند و جذب افکار جدید در سراسر دنیا، پیامی است که آگاهانه از طرف بنیان گذاران این گونه رسانه ها فرستاده و ناآگاهانه از طرف میلیون ها مخاطب در جایای این کره خاکی دریافت می شود.

تا کی می‌خوای به این مزخرفات ادامه بدی؟ فکر نمی‌کنی دیگه کافیه؟ این را بهادر که از میان جمعیت برخاسته بود با صدای بلند فریاد می‌کند. مرد سخنرانی اش را قطع می‌کند. سعی می‌کند صدای بهادر را نشنیده بگیرد اما بهادر دوباره فریاد می‌کشد: می‌خوام بدونم چه فکری می‌کنی که این حرف‌ها رو می‌زنی؟

چند سر که در انتهای سالن ایستاده بودند بهادر را به طرف بیرون سالن هدایت می‌کنند. جمعیت ۷۳۰ نفره سالن سکوت کرده‌اند. مرد سخنران شوکه شده است انگار که شوکه شده است. بهادر که از در خارج می‌شود مرد خود را جمع‌ر جور می‌کند و در حالی که جمعیت را ورنانداز می‌کند: پیش میاد دیگه. مرد سخنران را از روی تریبون بر می‌دارد و در حالی که با پوزخند سری تکان می‌دهد عینک را بر چشم می‌زند و به سخنرانی اش ادامه می‌دهد:

عرض می‌کردم، ثمره این فضا پراکنی و بسط اینگونه رسانه‌ها ایجاد یک دنیای مجازی است که در آن افراد با القای هوای یک زندگی شاد، آرام و بی‌دغدغه در یک فضای دموکراتیک که بر مبنای فریب افکار عمومی شکل گرفته، زندگی می‌کنند. تا زمانی که ایدئولوژی در خطای باشد افراد مجاز به انجام هرگونه فعالیت و داشتن هر نوع تفکر می‌باشند، اما هنگامی که فعالیت و ایدئولوژی متناقض با ایدئولوژی حاکم از انفعال خارج شود و به صورت فعال به پیش برود، در این صورت ایدئولوژی حاکم که خود را در خطر سقوط می‌بیند به سرعت و به شدت به آن واکنش نشان می‌دهد. به

عنوان مثال ایدئولوژی حاکم و سیاست‌های ایالات متحده رو در نظر بگیرید. این ایدئولوژی در طی چند ده سال اخیر تغییر مشهودی نداشته اما همین سیاست که دم از آزادی بیان می‌زند در زمان جنگ سرد ذره‌ای انعطاف، نشان نمی‌داد. در این هنگام نیز وظیفه تلطیف و توجیه نمودن امر به ماز رسانه‌های جمعی واگذار می‌شود. فراموش نکنید که هر شکلی از حکومت برای تائید نیاز به همراهی افکار عمومی دارد.

در پایان می‌خواهم عرض کنم که بنده معتقدم که امروزه بشریت به خوابی عمیق فرو رفته است، اما دنیای شلوغ و درهم و برهم، بی‌معنی، بی‌منطق و سرگرمی‌گرایی کنونی، ریای شیرینی است که رسانه‌های مذکور جهت استمرار و عمیق نمودن این خواب آفریده شده‌اند. آگاهی افراد از این آشفتگی توأم با سرخوشی، شاید بتواند ابوسی تفکر بر انگیز را بیافریند که آنها را از این خواب شیرین بیدار کند.

این دروغ بود. مرد هنگامی که از پله‌های سن پست می‌آمد می‌دانست که عمیقاً عاشق این خواب شیرین است، حقیقتاً دنیای ریایی بود...